

بررسی استعاره مفهومی «بذر» در *مرصادالعباد* نجم‌الدین رازی

Conceptual Metaphor of Seed in *Mersad-al-Ebad* by Najmuddin Razi

Zahra Dehghan Dehnavi*

Mehdi Malek Sabet**

زهرا دهقان*

مهدی ملک‌ثابت**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۱

Abstract

Conceptual metaphor is a subject in cognitive linguistic that it is a review of metaphors that are in the consciousness of the author or speaker as part of the system of thought him; address this issue can be useful to recognized intellectual infrastructure of writer and its various dimensions. *Mersad-al-Ebad* by Najmuddin Razi (573 - 654 H. h) is one of Persian mystic books in Persian language that has been written with using of the analogy, the metaphor, verses and sayings of rampant in the field of Islamic mysticism. By review of conceptual metaphor of 'seed' in this book, it becomes clear that the author paid a special attention to the metaphorical sense in his book; after classification conceptual metaphors of seed in the book related to conclude that these metaphors, formed base on a broader metaphor of 'the universe is seed' and in the end the metaphor of 'God is farmer'. Roots of this metaphor can be searched in the cultural, social, geographical, language and partisan dimensions of Najmuddin Razi mind.

Keywords: *Mersad-al-Ebad*, Conceptual Metaphor, Seed.

چکیده

استعاره مفهومی موضوعی در زبانشناسی شناختی است که هدف آن بررسی استعاره‌هایی است که در ذهن نویسنده یا گوینده به‌عنوان بخشی از نظام تفکر او وجود دارند؛ بررسی این موضوع می‌تواند به شناخت زیربنای فکری نویسنده و ابعاد گوناگون آن کمک کند. *مرصادالعباد* از متون مهم عرفانی زبان فارسی و تألیف نجم‌الدین رازی (۵۷۳-۶۵۴ ه. ق.) است که با استفاده از تمثیل، استعاره، آیات و احادیث فراوان در زمینه عرفان اسلامی نوشته شده است. با بررسی استعاره مفهومی «بذر» در *مرصادالعباد* مشخص می‌شود که نویسنده اثر به این مفهوم استعاری در سراسر اثر خود توجه ویژه داشته است؛ پس از طبقه‌بندی استعاره‌های مفهومی مربوط به بذر در *مرصادالعباد* این نتیجه به دست می‌آید که چندین استعاره جزئی برپایه استعاره کلی «جهان آفرینش بذر است» شکل گرفته که در نهایت به استعاره کلی «خداوند کشاورز است» می‌رسند. ریشه‌های شکل‌گیری چنین استعاره‌ای را می‌توان در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی، زبانی و اعتقادی نجم‌الدین رازی جستجو کرد.

کلیدواژه‌ها: *مرصادالعباد*، استعاره مفهومی، بذر، زبانشناسی شناختی، متون عرفانی.

*. Ph.D. Student of Persian Literature, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author); Zahra.dehghan.d@gmail.com

** Professor at Yazd University, Yazd, Iran; mmaleksabet@yazd.ac.ir

*. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه یزد، یزد، ایران

(نویسنده مسئول): Zahra.dehghan.d@gmail.com

** استاد دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ mmaleksabet@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

نجم‌الدین رازی (۵۷۳-۶۵۴ ه.ق.)، اهل ولایت ری، از عرفای سنی‌مذهب پیرو اشاعره است که در تصوف شیوه‌ای معتدل دارد (حد میانه زهد و جذب) و معتقد به اصول خانقاهی است. وی در زمان حمله مغول خود را به دربار امن «علاءالدین کیکباد [اول]»، ششمین پادشاه سلجوقی رُم رسانده اثر خود «مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد» را به او تقدیم کرد (ریاحی، ۱۳۸۷: ۱۰-۳۰).

مرصادالعباد از متون عرفانی قرن هفتم است که به زبان فارسی و بیشتر به سبک آثار قرن ششم نوشته شده است. در متن این کتاب تأثیرپذیری فراوان از آیات و احادیث و ادب عربی، در کمال هنرمندی به چشم می‌خورد و نثر کتاب فنی و سرشار از آرایه‌های زیبایی‌شناسانه مانند تشبیه، استعاره و تمثیل است (همان: ۶۴). هدف این مقاله بررسی مرصادالعباد از منظر استعاره‌شناختی و استخراج استعاره‌های مفهومی مربوط به «بذر» از این اثر است. مطابق با نظر دانشمندان علم زبان‌شناسی شناختی، برای درک صحیح استعاره‌های مفهومی باید دانش، بیولوژی، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها را در هر جامعه‌ای بررسی کرد (هاشمی و قوام، ۱۳۹۲: ۸۰). بنابراین می‌شود گفت عرفان و جامعه‌عارفان نیز خرده‌فرهنگی است که ذهنیت استعاری ویژه خود را دارد و برای درک و دریافت این ذهنیت می‌توان آثار مکتوب به جا مانده از نظریه‌پردازان این خرده‌فرهنگ را بررسی کرد.

۱-۱ استعاره مفهومی در علم زبان‌شناسی شناختی

از دیدگاه سنتی، استعاره یکی از انواع آرایه‌های ادبی به‌کار رفته در متون ادبی است؛ بر اساس نظریه ارسطو، استعاره مقایسه دو پدیده با یکدیگر است که یکی از آن‌ها (که پدیده‌ای مخفی در زبان است)، به وسیله ذکر دیگری (که در زبان آشکار

شده) دریافت می‌شود (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۰۶).

عبدالقاهر جرجانی استعاره را برآوردی از تعامل معنایی بین دو چیز قلمداد کرده است (انوار و عبدالحسینی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۴). در این دیدگاه، استعاره در اصل آرایه‌ای ادبی است که به گونه‌ای موجزتر و هنری‌تر از تشبیه در کلام ادبی و به‌ویژه در شعر به‌کار گرفته می‌شود (کزازی، ۱۳۶۸: ۹۴ و ۹۷؛ همایی، ۱۳۷۷: ۲۵۰؛ شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۷؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۷ و ۱۱۳). در این دیدگاه، استعاره موضوعی زبانی است نه موضوعی فکری و ذهنی و بستر ظهور و بروز آن نیز تنها متن ادبی است نه زبان و گفتار عادی.

برای نخستین بار، کالریج در تبیین دیدگاه‌های خود به‌عنوان پایه‌های مکتب ادبی رمانتیسیسم، به ارزش اندیشه و بعد تفکر در استعاره توجه نشان داد (هاوکس ۱۳۷۷: ۵۸-۵۹). در دیدگاه‌های معنی‌شناسانه علم بلاغت، معنا و کشف آن مهم‌ترین مسئله قلمداد شد (ریچاردز، ۱۳۸۲: ۴۷). دانش معنی‌شناسی با مطالعه معنی، موضوع کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک مفاهیم از طریق زبان را مد نظر قرار داد (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۸؛ بورشه و دیگران ۱۳۸۶: ۳۰۰). در مطالعات این علم نقش عمده‌ای برای استعاره در نظر گرفته شد و در واقع مطالعه آن مانند ابزاری برای تشخیص چگونگی بروز اندیشه و رفتارهای زبان به‌کار رفت (صفوی ۱۳۷۹: ۳۶۹).

زبان‌شناسی شناختی در جایی که موضوع تحلیل زبان را به‌عنوان وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات مد نظر قرار می‌داد، معناشناسی را در تجزیه و تحلیل‌های زبانی در اولویت قرار داد (گلفام و یوسفی‌راد، ۱: ۱۳۸۱ و ۲) و به استعاره همچون یک ابزار و قالب روان‌شناسی زبان نگریست که کارکرد اصلی آن در چندمعنایی‌بودن هر کلمه است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹:

همچنین رابطه یا مجموعه روابطی که در هر استعاره مفهومی، میان دو قلمرو مبدأ و هدف دیده می‌شود، نگاشت نام دارد و (هاشمی، ۱۳۹۲: ب: ۲۴۱) در واقع با تعیین مشخصات نگاشت‌های بین حوزه‌های ذهنی و عینی است که نظریه استعاره تحقق یافته و استعاره مفهومی شکل گرفته است (لیکاف، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

۲-۱. بیان مسئله

با بررسی استعاره مفهومی در متن *مرصادالعباد* می‌توان گفت بسیاری از استعاره‌های به‌کار رفته در متن *مرصادالعباد* بیشتر به منظور توضیح و شرح اندیشه‌های نویسنده و درک صحیح و دقیق مخاطب به‌کار رفته‌اند. یکی از بیشترین فضاهایی که به‌عنوان قلمرو مبدأ استعاره‌های مفهومی در *مرصادالعباد* به‌کار رفته، فضای مربوط به کشت و کار است و به‌ویژه مفهوم بذر با استفاده از واژه «تخم» در متن نمود فراوان و قابل توجهی دارد؛ به‌طوری‌که در ۲۷ مورد به این مفهوم اشاره شده است. در این پژوهش کوشش شده است در عین حال که بررسی مفهوم استعاری این واژه مبنای کار قرار می‌گیرد، سایر استعاره‌های مفهومی مرتبط که با واژگان دیگری مانند درخت، بیخ، برگ، شاخ و... بیان می‌شود نیز مغفول نماند. نجم‌الدین رازی در این اثر، به کمک واژه «تخم»، استعاره‌هایی پدید آورده است که در حوزه زبان‌شناسی شناختی و به‌عنوان استعاره‌های مفهومی به‌صورت انگاره‌های مختلفی قابل بررسی‌اند.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در زمینه پژوهش و تحلیل استعاره‌های مفهومی در متون منثور عرفانی، زهره هاشمی، در مقاله «زنجیره‌های استعاری محبت در تصوف» (هاشمی، ۱۳۹۲: ب) ذهنیت صوفیان نسبت به عنصر محبت را تحلیل نموده است. همو و ابوالقاسم قوام، در مقاله

۲۵-۲۶). از نظر این علم، در فرایند استعاره، پس از فهم مفهومی انتزاعی در ذهن، آن مفهوم در قالب مفهومی ملموس در زبان بیان می‌شود و در اصل استعاره، درک و تجربه آن عنصر ناآشنا بر اساس یک عنصر آشنا است.

در علم شناخت استعاره مفهومی، استعاره با تعریف سنتی آن در بلاغت متفاوت است و تنها شامل آن نوع استعاره‌ای که در علوم بلاغی شناسایی می‌شود نیست؛ همچنین در حوزه این علم استعاره انحصار به متن ادبی هم ندارد و در هر نوع متنی قابل بررسی است؛ در واقع استعاره تنها یک عنصر زبانی و واژگانی نیست؛ بلکه فرایندهای تفکر انسان همگی استعاری‌اند و در واقع نظام تصویری ذهن انسان بر مبنای استعاره بنا شده است (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۱۳). بنابراین، استعاره که ریشه در نظام تصویری ذهن انسان دارد، به‌عنوان یک بیان زبانی میسر می‌شود که این بیان زبانی، ابزاری برای درک حقیقت مفهوم آن موضوع انتزاعی و ناآشنا است (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۵)؛ درحقیقت بیان استعاری، می‌تواند تبیین جدیدی را از کارکرد مغز در برخورد با جهان پیرامون انسان عرضه نماید (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

در بررسی استعاره مفهومی مجموعه‌ای را که دارای مفهومی عینی‌تر و متعارف‌تر است، قلمرو مبدأ یا منبع و مجموعه دیگر را که مفاهیم آن انتزاعی و ذهنی‌تر است، قلمرو مقصد یا هدف می‌خوانند (همان: ۱۲۵). در واقع در تحلیل هر استعاره، با مجموعه‌ای از تعاملات میان ویژگی‌های قلمرو منبع و قلمرو هدف روبرو می‌شویم و با اطلاعاتی که از قلمرو منبع به دست می‌آوریم به قلمرو هدف دست می‌یابیم که گاه ممکن است در تعاملات میان قلمرو منبع و قلمرو مقصد، این موضوع کشف شود که مفهوم در قلمرو مبدأ، شامل چند قلمرو مقصد است (کووکسس، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

برداشت‌هایی استعاری در ذهن ثبت می‌کنیم. «برخی از مهم‌ترین عوامل غیرزبانی که در پیدایش این پدیده‌های زبانی مؤثر شناخته شده‌اند عبارتند از: منطقه جغرافیایی؛ طبقه اجتماعی؛ جنسیت؛ قومیت؛ سن؛ تحصیلات و... (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۴۰) و در واقع این عوامل در شکل‌دهی به نظام زبانی و به‌طور اخص استعاره‌های مفهومی نقشی برجسته دارد.

به باور زبان‌شناسان، ماهیت استعاره مفهومی به‌طورکلی بیشتر جمعی و اشتراکی است تا فردی؛ از این رو بررسی سیر کاربرد و دگرگونی استعاره‌ها، می‌تواند به موضوع تغییر و تحولات اجتماعی و تحلیل‌های جامعه‌شناختی مرتبط باشد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). بدین ترتیب استفاده از این نوع پژوهش‌ها برای روشن‌سازی بعضی از ابهامات سبک‌شناسی شناختی و تحلیل متون ادبی و نیز تعیین شیوه ذهنی و شناخت دقایق سبکی افراد، مفید است (همان: ۱۳۳-۱۳۴). این پژوهش می‌تواند در نهایت به کشف شیوه‌های فعالیت ذهنی و درک عوالم اندیشگی عرفا و ادبای ادبیات فارسی به‌ویژه عرفا و ادبای قرن هفتم و شناخت ویژگی‌های تفکر نجم‌الدین رازی کمک کند.

۱-۵. روش تحقیق

تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی است که با مراجعه به منابع مربوط به استعاره مفهومی و استخراج مصادیق از *مرصادالعباد* نجم‌الدین رازی صورت گرفته است. دامنه تحقیق نیز سراسر متن *مرصادالعباد* است که تمام موارد استعاره مفهومی مربوط به بذر را در برمی‌گیرد.

۲. بررسی انگاره‌های مربوط به استعاره

مفهومی «بذر» در متن *مرصادالعباد*

نجم‌الدین رازی که در جایی از اثر خود کشاورزی را بهترین صنعت و کسب دانسته (۵۱۳)، بسیاری از مفاهیم را بر مبنای استعاره مفهومی بذر پرورده

«بررسی شخصیت و اندیشه‌های عرفانی بایزید بسطامی بر اساس روش استعاره شناختی» (۱۳۹۲)، عناصر شراب، آتش، سیل، فنا و نور را در اقوال بایزید بررسی و نمودار کرده‌اند. زهره هاشمی، در مقاله «مفهوم ناکجاآباد در دو رساله سهروردی بر اساس نظریه استعاره شناختی» (۱۳۹۲ الف)، استعاره مفهومی «ناکجاآباد» را در کلام سهروردی مورد بررسی قرار داده است. بتول واعظ در بخشی از مقاله خود با نام «تحلیل ساختاری و گفتمانی تمثیل در *مرصادالعباد*» (۱۳۹۷) به بررسی شناختی تمثیل، اضافه‌های تشبیهی و استعاره در *مرصادالعباد* پرداخته است. زهرا عباسی در مقاله «استعاره مفهومی عشق و خوشه‌های معنایی مرتبط با آن در تذکره‌الاولیای عطار» (۱۳۹۷)، استعاره‌های مفهومی مربوط به عشق را در ذهن و زبان عطار بررسی و طبقه‌بندی کرده است. زهرا ماحوزی و دیگران در مقاله «تحلیل انگاره تبدیل صفاتی انسان به فرشته در اندیشه هجویری» (۱۳۹۸) به تحلیل و شرح مختصات دیدگاه هجویری نسبت به ماجرای حضرت یوسف (ع) پرداخته، انگاره فرشته‌گونگی انسان را از نظر او بررسی کرده‌اند. تاکنون پژوهشی که استعاره مفهومی بذر (تخم) را در *مرصادالعباد* مورد تحقیق قرار دهد، صورت نگرفته است.

۱-۴. ضرورت تحقیق

در زبان‌شناسی اجتماعی، زبان مبنای مفاهیم است و نیروهای اجتماعی به‌مثابه نیروهایی‌اند که بر زبان تأثیر می‌گذارند (ژان کالوه، ۱۳۷۹: ۱۶۵). بر طبق نظریات زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌های شناختی برخاسته از درک تجسم یافته و تجربه حضور فیزیکی ما در جهان‌اند که در این درک تجسم‌یافته، ما به مثابه اشیای فیزیکی به درون و بیرون از فضاهایی که ما را در بر می‌گیرند حرکت می‌کنیم (فریمن، ۱۳۹۰: ۲۸۴) و تجربیات خود را از این حرکت به‌صورت

و بیان کرده است. وی برای توصیف و ساده‌سازی فضای ذهنی عرفانی خود، به بازنمایی نوعی استعاره ذهنی بر پایه بذر و متعلقات و ویژگی‌های آن می‌پردازد که بسامد بالای این استعاره می‌تواند مؤید غلبه این مفهوم بر ذهن وی باشد. نجم‌الدین رازی مفهوم بذر را در بیان و شناساندن شخص، شیء و حتی مفهوم به‌کار گرفته است.

۱-۲. استعاره‌ها

در متن *مرصادالعباد* چندین استعاره با مفهوم ذهنی بذرانگاری دیده می‌شود که می‌توان این استعاره‌ها را به ترتیب بسامد چنین برشمرد:

۱) پیامبر اسلام (ص) بذر آفرینش است:

نجم‌الدین رازی در متن *مرصادالعباد* راجع به پیامبر اسلام (ص) می‌گوید: «تخم آفرینش محمد بود و ثمره هم او بود و شجره آفرینش به حقیقت هم وجود محمدی است» (ص ۶۳).

این نگاهت در میان انگاره‌های استعاری واژه «تخم» در *مرصادالعباد* یکی از بالاترین بسامدها را داشته در ۴ مورد به آن اشاره شده است (صص ۳۷، ۶۳، ۳۲۰، ۱۳۷) که آن را مطابق با مبحث زبانشناسی شناختی، بدین ترتیب می‌توان بازنمایی کرد:

۲) پیامبر اسلام (ص) بذر/ میوه/ درخت

است؛ یعنی پیامبر اسلام اصل و نهایت ماهیت بالقوه و بالفعل کمال جهان است.

وی در جای دیگر نیز حضرت محمد (ص) را خرمن آفرینش و پیامبران دیگر را خوشه‌چینان این خرمن دانسته است (ص ۳۲۰).

در آموزه‌های دینی و عرفانی اسلام، حضرت محمد (ص) مرکز و دلیل اصلی آفرینش دانسته شده است. احادیث «اول ما خلق الله نوری» (بحارالانوار، ج ۶، باب بدء خلقه و ماجری له به نقل از فروزانفر، ۱۳۶۱: ۱۱۳-۱۱۴) و «لو لاک لما خلقت الادیان» (اللوء لوء المرصوع: ۶۶، به نقل از فروزانفر،

۳) محبت بذر است. محبت و دوستی در

بسیاری از متون عرفانی ادبیات فارسی به شکل بذر، دانه و یا نهال و درخت دانسته شده است (هاشمی، ۱۳۹۲: ۳۴). در *مرصادالعباد* نیز محبت، تخمی کاشتنی فرض شده است (صص ۴۳، ۴۴ و ۳۳۴). «چون ملائکه این تعلق با قالب جسمانی ظلمانی نداشتند تخم محبت ایشان هرگز به کمال تربیت نیافت» (ص ۴۳). «شک نیست که تخم محبت در نهاد ارواح، پیش از جمله صفات دیگر انداختند» (ص ۴۴).

در این نوع استعاره محبت به مثابه وجودی عینی و جسمی با قابلیت رشد و نمو (در صورت پرورش صحیح) تصور شده است.

۴) توحید بذر است. توحید در جایی از کتاب

به‌مثابه بذری دانسته شده است که انبیاء عهده دار پرورش آن بذر بوده‌اند؛ مانند امری که بالقوه وجود دارد و برای رسیدن به فعلیت نیازمند مراقبت و پرورش است: «سرّ بعث انبیا علیهم الصلوه و السلام، از بهر زراعت تخم توحید است» (ص ۶۴).

۵) ابا و استکبار بذرند. نجم‌الدین رازی در

جریان یک استعاره مفهومی جالب توجه، در ماجرای نافرمانی شیطان از خداوند و سجده نکردن

به آدم، ابا و استکبار شیطان را بذری می‌داند که قبلاً کاشته شده بود و در آن ساعت رشد کرده، بالید و ثمره داد؛ یعنی اصل و اساس آن از قبل وجود داشت و در آن موقع به بار نشست: «خلق چنان پندارند که ابا و استکبار در وقت سجده بود. بلی صورت آن به وقت سجده بود که به مثبت ثمره شجره است اما حقیقت آن ابا و استکبار که به مثبت تخم است آن روز در زمین شقاوت افتاد که از رعایت ادب ابا کرد» (ص ۸۸-۸۷).

۶) انسان بذر است. همچنین نجم رازی انسان را که حاصل تولید و پرورش به دست خداوند است، در یک فضای استعاری بذر دانسته است: «خداوندا... آن را که تو برداشتی میفکن... که این تخم تو کشته‌ای و این گل تو سرشته‌ای» (ص ۹۵ و ۹۶).

همچنین مصداق‌های دیگری از این انگاره نظیر اینکه مؤمن درخت است (ص ۲۷۹)، انسان طبیعت است (ص ۷۴) و انسان کامل درخت است (ص ۱۴۵) نیز در متن مرصاد دیده می‌شود.

۷) روح بذر است. روح نیز در استعاره‌ای مفهومی از دیدگاه نجم رازی در متن مرصاد/العباد، بذر دانسته شده است: «پس تخم روح انسانی پیش از آنکه در زمین قالب اندازند استعداد استماع کلام حق حاصل داشت» (ص ۱۰۵).

همچنین استعاره‌های روح پیامبر (ص) بذر است (ص ۴۰ و ۴۰۴)، روحانیت بذر است (صص ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۵) و نفس بذر است (ص ۳۴۴) نیز در این کتاب به چشم می‌خورند که به همین نگاشت تعلق دارند.

۸) ایمان بذر است. ایمان نیز در فضای ذهنی استعاری نجم رازی، همچون بذر دیده می‌شود: «هرکجا از آن انس چیزی باقی است تخم ایمان است» (ص ۱۰۸).

۹) سعادت بذر است. شاید یکی از جالب توجه‌ترین نگاشت‌های مربوط به استعاره مفهومی

بذر همین نگاشت باشد که در آن نجم رازی سعادت را بذر دانسته است (ص ۳۹۸ و ۱۲۷)؛ این نگاشت می‌تواند حقیقت دیدگاه این عارف را در ژرفنای ذهنی خود نسبت به سعادت آشکار کند که به جای اعتقاد به این که سعادت و شقاوت با بشر زاده می‌شوند و غیرقابل کسب هستند،^۱ سعادت را بذری می‌داند که اگر پرورش صحیح یابد به بار می‌نشیند: «تخم این سعادت، در عالم ارواح پاشیده بودند» (ص ۱۲۷).

باید توجه داشت که نجم رازی در همین فضا «شقاوت» را نیز به مثابه زمین زراعت دانسته است: «حقیقت آن ابا و استکبار که به مثبت تخم است آن روز در زمین شقاوت افتاد که از رعایت ادب ابا کرد» (ص ۸۸-۸۷).

۱۰) ذکر بذر است. در یک فضای استعاری با دیدگاه شناختی، به نگاشت «ذکر بذر است» می‌رسیم که در نوع خود جالب توجه است؛ نجم‌الدین رازی ذکر را بذر دانسته است چراکه باید در وجود مستعد قرار گیرد و پرورش یابد (ص ۲۷۷، ۲۷۶). «آنچه از راه افواه، بدرِ سمع، صورتی درآید، آن ذکر تقلیدی باشد، چندان کارگر نیاید؛ همچنان که تخم ناپرووده نارسیده که در زمین اندازند نروید و ذکر تحقیق آن است که به تصرف تلقین صاحب ولایت در زمین مستعد دل مرید افتد» (ص ۲۷۵).

۱۱) تجلی بذر است. نجم رازی همچنین، تجلی خداوند را بذر دانسته است که به نظر می‌رسد از نظر نوع اندیشگی، از قابل تأمل‌ترین بخش‌های ژرفای فکری او به شمار می‌رود. وی تجلی را از آنجا که ظرفیتی است که در هر زمینه و استعدادی رشد و نموی دیگرگونه دارد به مثابه بذر دانسته است: «اگرچه تخم تجلی ابتدا در طینت آدم تعبیه افتاد، اما در ولایت موسی سبزه پدید آورد و در ولایت محمدی ثمره به کمال رسید تا

وسیع‌تر و قوی‌تر می‌گردد؛ این قوه نیز در اندیشه نجم‌الدین بذر دانسته شده است: «تخم این هفت شهوت در هفت عضو انسانی بکاشتند و پنج حس را به تربیت آن فرو داشتند تا به مدت پانزده سال بر شجره هرتخمی ثمره شهوتی پدید آمد. بعد از آن صاحب شرع را به معاملی آن فرستاد و بر هر عضوی خراج سجودی نهادند... و فرمودند که اثمار آن اشجار را تخم سعادت آخرت سازند و در زمین عبودیت به دست شریعت اندازند» (ص ۳۹۸).

۲-۲. نگاشت‌های کلی استعاره مفهومی بذر در متن مرصادالعباد

برای کشف فضاهای استعاری و نگاشت‌های کلی در مطالب یاد شده، شاید بتوان انگاره‌های کلی استعاره‌های مفهومی بذر را به چند دسته تقسیم کرد:

۱- انگاره کلی انسان بذر است؛ که انگاره‌های مربوط به پیامبر (ص)، انسان و اهل صفوف را در خود جای می‌دهد.

۲- انگاره کلی امور معنوی بذر هستند؛ که انگاره‌های محبت، توحید، ایمان، سعادت و تجلی را در خود جای می‌دهد.

۳- انگاره کلی رفتار انسان بذر است؛ که انگاره‌های ابا و استکبار و ذکر را در خود جای می‌دهد.

۴- انگاره کلی آفریده‌ها بذرند؛ که انگاره‌های مربوط به روح و آفرینش را در خود جای می‌دهد.

۵- انگاره کلی خصوصیات بشری و حیوانی بذرند؛ که انگاره مربوط به شهوت را در خود جای داده است.

۲-۳. تحلیل انگاره‌های کلی و استخراج انگاره اصلی و قلمروهای مبدأ و مقصد

مطابق با نگاشت‌های کلی مستخرج از متن، در تحلیل این استعاره با چنین انگاره اصلی‌ای سروکار

منقرض آدم بل که تا ابدالآباد خوشه‌چینان خرمن این دولت از این ثمره سعادت تناول می‌کنند» (ص ۲۲۸-۲۲۹).

۱۲) اهل صفوف بذرند. نجم‌الدین رازی برای ارواح انسان‌ها برحسب مرتبه و درجه تقرب آنها به معرفت خداوند چهار مرتبه یا صف قایل شده و ارواح انسان‌هایی را که در هریک از این مراتب قرار می‌گیرند با نام اهل صف اول، اهل صف دوم و... مجموع آنها را اهل صفوف نامیده است (ص ۳۴۵). در کنار بذر دانستن مفاهیم ذهنی و اغلب معنوی که ذکر آن رفت، اهل صفوف، از مصادیق بذر دانستن یک وجود مادی از دیدگاه نجم‌رازی به حساب می‌آیند: «اهل صفوف دیگر از دولت این کمال محرومند؛ اما در مقام خویش چون پرورش به کمال یابند هرطایفه‌ای به مقام خویش بازنسند با ترقی کمال که اول نداشته‌اند؛ چون تخم گندم که اول بکارند اگرچه اول ضعیف باشد چون پرورش بشرط یابد یکی هفتصد شده و به قوت گشته با انبار آید [...] تا هرصنف از آن انواع که در صفی بودند اینجا در مرتبه یک نفس باشند... و هریک از مقام خویش نتواند گذشت؛ زیرا که در آن تخم بیش از این استعداد نهاده بودند مگر اهل صف اول را» (ص ۳۴۷-۳۴۸).

شاید ذکر این نکته نیز مفید باشد که در بذر دانستن این امر وجودی و حسی، جنبه یکی دانستن مفهوم با بذر کمرنگ شده چنان‌که در مثال اول ملاحظه می‌کنیم این نگاشت به همراه ادوات تشبیه ذکر شده است که مقداری از بار معنای یکی دانستن را به سمت بار معنایی شبیه دانستن سوق داده است؛ همچنین شاید بتوان این استعاره را زیرمجموعه استعاره شماره ۶، یعنی «انسان بذر است»، منظور داشت.

۱۳) شهوت بذر است. شهوت که قوه‌ای است تعبیه شده در وجود انسان، با پرورش و توجه،

داریم: انسان/ امور معنوی/ رفتار انسان/ آفریده‌ها/ خصوصیات بشری و حیوانی بذر است.

در دیدگاهی کلی‌تر می‌توان تمام این پنج نگاهت را نیز تحت نگاهت زیر قرار داد: هستی (آفرینش و وجود هرچه غیرخدا) بذر است.

بنابراین شاید بتوان چنین استنباط کرد که کلان‌استعاره موجود در متن، استعاره «خداوند کشاورز است.» (به معنی کارنده بذری در خاکی و پرورش دهنده آن) و فضای قلمرو مبدأ نیز آفرینش و هستی با تمام امور مادی و معنوی آن و قلمرو مقصد فضای کشاورزی و کاشتن بذر در زمین است. این انگاره به گونه‌ای ضمنی در متن *مرصادالعباد* نیز آمده است: «خداوندا، [...] آن را که تو برداشتی می‌فکن [...] که این تخم تو کشته‌ای و این گل تو سرشته‌ای» (ص ۹۵-۹۶).

نجم‌الدین رازی در جایی دیگر درباره طبقه کشاورزان می‌گوید این طبقه باید زارع حقیقی را نه خود که خداوند بدانند (ص ۵۲۰) و در جای دیگر این که خداوند وجود بی‌جان را جان می‌دهد و پس از رشد و نمو و تکامل، مرگ را بر آن چیره می‌سازد، به عمل کاشتن دانه، رویش، ثمر دادن، رسیدن و ازبین رفتن میوه تعبیر می‌کند (ص ۳۶۱).

۲-۴. تحلیل ارتباط ذهنی نجم‌الدین رازی با کلان استعاره «خداوند کشاورز است».

مطابق با علم زبانشناسی شناختی، بخش عمده نظام طبیعی فهم و اندیشه انسان دارای ساختاری استعاری است، بخش تثبیت‌شده فرهنگ در جوامع بشری با بخش استعاری انسان در آن جامعه هماهنگی دارد و ارزش‌های بنیادی هر فرهنگ با ساختار استعاری موجود در آن فرهنگ همخوانی دارد (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۱۰۲ و ۴۳-۴۴). بنابراین برای درک صحیح استعاره‌های مفهومی، باید دانش، بیولوژی، فرهنگ و... را در هر

جامعه‌ای بررسی کرد و همچنین باید در نظر داشت که هر جامعه و فرهنگی متشکل از خرده‌فرهنگ‌هایی است که اغلب خود را جدا از جریان اصلی فرهنگ می‌دانند و معمولاً می‌توانند بخشی از استعاره‌های موجود را بازتعریف و یا استعاره‌های جدیدی تولید کنند. البته تفاوت‌های فردی انسان‌ها نیز در این حوزه تأثیرگذارند (هاشمی و قوام، ۱۳۹۲: ۸۰).

به باور دانشمندان حوزه جامعه‌شناسی و ادبیات «هر فردی عضو چندین گروه است؛ به نحوی که آگاهی او آمیزه‌ای یکتا و خاص از عناصر آگاهی‌های جمعی گوناگون و اغلب متضاد است. به علاوه از گروه‌هایی نیز تأثیر می‌پذیرد که به گروه اجتماعی خاص او تعلق ندارند؛ بنابراین آگاهی جمعی فقط به صورت واقعیت بالقوه در آگاهی یک‌یک افراد گروه وجود دارد؛ واقعیتی که جامعه‌شناس می‌تواند آن را از رهگذر بررسی گروه به‌عنوان یک کل روشن سازد» (لنار، ۱۳۹۲: ۷۱).

برای این که دلایل احتمالی نجم‌الدین رازی برای باور به کشاورزی به‌عنوان بهترین صنعت و کسب (ص ۵۱۳) را بفهمیم و همچنین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری استعاره مفهومی «بذر» در ذهن وی را بسنجیم، باید ابعاد شخصیتی وی را در نظر بگیریم و همچنین احتمالات مربوط به ارتباط ذهنی و عینی را وی با چنین استعاره‌ای در نظر بگیریم.

مهم‌ترین شاخصه‌های شکل‌دهنده ذهنیت نجم‌الدین رازی را می‌توان شاخصه‌های فردی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و اعتقادی در نظر گرفت.

۲-۴-۱. نقش ویژگی‌های جغرافیایی محیط در

شکل‌گیری اندیشه استعاری نجم‌الدین رازی
عصری از تاریخ زندگی بشر به نام عصر کشاورزی نام‌گذاری شده و آثار مبادرت به این شغل در

۴۲، ۷۴، ۷۶، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۱۲۲، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲) آن لمبتون انگلیسی (۱۹۱۲-۲۰۰۸) نیز کشاورزان ایرانی را به خاطر استفاده بهینه از فرصت‌ها، شهامت، پشتکار و کار زیاد ستوده است (لمبتون، ۱۳۴۵: ۶۳۵).

شهر ری، زادگاه و محل زندگی نجم‌الدین رازی، از نظر جغرافیایی، از شهرهای متمدن، آباد و همواره از نظر کشاورزی پررونق بوده است (کریمیان، ۱۳۵۴: ۵۸۲، ۵۸۴ و ۱۳۱). به گفته پیرنیا، «شهر ری را ماد رازی نیز می‌نامیدند و در اغلب ادوار تاریخی، آن را جزو ماد بزرگ یا عراق عجم به حساب می‌آورده‌اند... ری که در تورات نیز از آن نام برده شده است صفحه‌ای است حاصل‌خیز و از کوه البرز چشمه‌ها و رودهای کوچک به این جلگه سرازیر می‌شود. بعضی جاهای این صفحه به خصوص اطراف و نزدیکی‌های خود ری از حیث قوت خاکش معروف بود و اکنون هم شهرت دارد» (پیرنیا، ۱۳۸۸: ۱۸۲۹).

۲-۴-۲. نقش ویژگی‌ها و ارتباطات اجتماعی در

شکل‌گیری اندیشه استعاری نجم‌الدین رازی

از نظر اجتماعی، دوران زندگی نجم‌الدین رازی، از پرتنش‌ترین دوران تاریخی، اجتماعی ایران و همچنین شهر ری بوده است (ریاحی، ۱۳۸۷: ۱۴)؛ در این دوران، کشاورزی نیز همچون سایر امور مهم کشور مورد غفلت و در حالت پریشانی قرار داشته است (راوندی، ۱۳۵۷: ۱۰۳).

از نظر پایگاه اجتماعی، نجم‌الدین رازی از طبقه عرفا و مشایخ صوفیه به شمار می‌رود؛ برای اشاره به سابقه وجود چنین مفاهیم استعاری نزد عرفا و متصوفه می‌توان به یکی از تمثیل‌های رایج صوفیان برای شرح کثرت و وحدت اشاره کرد که همان مثال دانه درخت است که تمام درخت یعنی ریشه، ساقه، پوست، برگ، گل و میوه در آن تعبیه است

سراسر جهان دیده می‌شود و می‌توان گفت که کشاورزی یکی از اصلی‌ترین مشاغل مردم جهان است (کلیم و دیگران، ۱۳۳۸: ۲۴) در سرزمین ایران نیز مطابق با اسناد تاریخی و اجتماعی، این شغل از دیرباز رایج بوده است (حتی، ۱۳۵۰: ۱۴)؛ به طوری که منابع اجتماعی، شغل اکثریت مردم ایران را کشاورزی و عظیم‌ترین طبقات جامعه ایران را از دیرباز تاکنون طبقه کشاورزان دانسته‌اند. این طبقه مهم‌ترین و مؤثرترین فعالیت‌های اقتصادی را به عهده داشته‌اند و تأمین خوراک مردم و پرداخت مالیات و عوارض به حکومت‌ها از وظایف قطعی این طبقه بوده است (راوندی، ۱۳۵۷: ۳۲۷ و ۹۴).^۲ حفر قنات به عنوان راهی برای غلبه بر کم‌آبی، از نشانه‌های به جا مانده از رونق کشاورزی در ایران قدیم است و نیز در متون قدیم فارسی نیز همواره یکی از موضوعات مهم، کشاورزی و امور مربوط به آن بوده است.^۳

مطابق با متون تاریخی، شاهان هخامنشی در کنار قوای جنگی به عمران و آبادانی و سرسبزی مناطق تحت حکومت خود بیشتر از هر چیزی اهمیت می‌داده‌اند. آنها تا جایی که هوا مساعد بود در باغ‌ها اقامت می‌کردند و به بهترین مدافعان خاک کشور و بهترین آبادکنندگان خاک جوایزی می‌داده‌اند و برای تشویق کشاورزان به آبادان کردن زمین‌ها تمهیداتی اندیشیده بودند (پیرنیا، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۲۲۸-۱۲۲۹).

وسعت و شکوفایی کشاورزی در ایران که تا دوران اخیر نیز وجود داشته، در برخی از سفرنامه‌های مسافران و محققان خارجی نیز دیده می‌شود. مثلاً ژان شاردن فرانسوی (۱۶۴۳-۱۷۱۳م.) که در عصر صفویه به ایران سفر کرده از فراوانی، تنوع و کیفیت محصولات کشاورزی در ایران بسیار سخن گفته و ایران را سرزمینی پر از درختان بلند و کهنسال و گل‌های فراوان و میوه‌های گوناگون و بسیار متنوع توصیف کرده است. (شاردن، ۱۳۵۰:

باستان آثار اهمیت درختان به چشم می‌خورد (بهار، ۱۳۹۰: ۴۳). همچنین اهمیت درخت در دانش‌های عامیانه^۶ و در متون اسطوره‌ای ایرانی نیز قابل مشاهده است. به طوری که می‌توان گفت یکی از انواع اطلاعات و مباحثی که در کتاب بندهش یافت می‌شود، اطلاعات مربوط به گیاهان است (تمیم‌داری، ۱۳۷۷: ۱۵۳).

طبق باور ایرانیان پیش از اسلام، عنصر درخت از تقدس و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در اساطیر ایرانی درخت «همه تخمه» که منشأ تمامی گیاهان جهان شمرده می‌شود، جایگاه ویژه‌ای دارد (بندهش، ۱۳۶۹: ۸۲). تقدس گیاه هوم (جعفری قریه‌علی، ۱۳۸۶: ۱۶۷) و پیدایش زن و مرد نخستین از گیاه ریواس (بندهش، ۱۳۶۹: ۸۱) نیز در این زمینه قابل توجه می‌نماید.

۲-۴-۴. نقش اندیشه‌های اسلامی در شکل‌گیری

اندیشه استعاره‌ی نجم‌الدین رازی

در فرهنگ عرب قبل از اسلام نگرش به امر کشاورزی با نگاه ایرانیان مسلمان به این امر تا حدی متفاوت است؛ اعراب پیش از اسلام چندان انسی با زندگی ثابت و کشاورزی نداشتند و فضای کشاورزی و گیاه‌پروری نیز نمود گسترده‌ای در محیط زندگی آنان نداشت؛ اما برخورد با این موضوع در دین اسلام به گونه‌ی دیگری است؛ رویکرد کلی فرهنگ اسلامی، توجه مثبت به مقوله کشاورزی و گیاهان است و این توجه هم در قرآن و هم در زندگی و سخنان حضرت محمد (ص) و اهل بیت او بازتابی گسترده دارد. در سیره و احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت او موضوع کشاورزی به‌عنوان موضوعی قابل توجه به چشم می‌خورد که پرداختن و توصیه به آن را می‌توان در زندگی و سخنان این بزرگان مشاهده نمود.^۷

در قرآن کریم آیات فراوانی به مقوله کشاورزی

(برتلز، ۱۳۵۶: ۴۶)؛ یعنی دانه تمثیلی از وحدت و اجزای درخت تمثیلی از کثرت دانسته شده است که دانه در عین دانه بودن به فعلیت، به‌صورت بالقوه، درخت و ریشه و ساقه و برگ و... است. در این خصوص همچنین باید اشاره کرد که تمرکز خانقاه‌ها عمدتاً در شهرها بود.^۴

و در فاصله قرن‌های هفتم تا نهم هجری تصوف از لحاظ اجتماعی هیچ وحدتی نداشت و محیط اجتماعی پیروان تصوف و طریقت‌های گوناگون به‌هیچ‌وجه یکدست نبود (حقیقت، ۱۳۷۲: ۱۳۷). از آنجا که بیشتر مریدان مشایخ از میان پیشه‌وران بودند و این مریدان گاه ساکن خانقاه شده از بستگان و حرفه خود دست می‌کشیدند و گاه نیز به پیشه خود باقی می‌ماندند، می‌توان چنین استنباط کرد که طبقه عرفا از پیشه‌های رایج روزگار که کشاورزی هم از جمله آنهاست به کلی دور نبوده‌اند.

۲-۴-۳. نقش اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری

اندیشه استعاره‌ی نجم‌الدین رازی

در بررسی اندیشه نجم‌الدین رازی به‌عنوان عارف ایرانی که اثر خود را به زبان فارسی تألیف کرده است، نمی‌توان از تأثیر اندیشه‌های ایرانی باستان بر ذهن او به کلی چشم‌پوشی کرد. به‌ویژه با توجه به این موضوع که نجم‌الدین اهل و ساکن شهر ری بوده است و «شهر ری تا چند قرن بعد از ورود اسلام همچنان زرتشتی نشین بود» (کریمیان، ۱۳۵۴: ۵۸).

در آیین ایرانیان قدیم «احیا کردن زمین، آبیاری آن، تخم‌افشانی، غرس اشجار، گله‌داری، تأسیس خانواده و کلیتاً سعی و عمل در زندگانی از کارهایی است که هرگز دوست می‌دارد، زیرا فاعل این کارها به هرگز کمک می‌کند» (پیرنیا، ۱۳۸۸: ۱۲۳۰). البته درختان در نزد اغلب اقوام گرمی بوده‌اند و رمز هستی، زندگی، جاودانگی و جوانی به شمار رفته‌اند،^۵ و در اعتقادات مردم مصر و بین‌النهرین در اعصار

تلاش؛ [فرزندان]: میوه‌های زندگی؛ شاخ و برگ کلام؛ ریشه مشکلات و...
بنابراین می‌توان چنین قلمداد کرد که فضای کلی زبان و ادبیات فارسی نیز در شکل‌گیری این استعاره مفهومی در ذهن نویسنده مرصاد العباد بی‌تأثیر نبوده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی متن مرصادالعباد از نظر کاربرد استعاره مفهومی، مطابق با نگاشت‌های استعاری عنصر «بذر» در متن این نگاشت کلی به دست می‌آید: هستی (آفرینش و وجود هر چه غیر خدا) بذر است. شاید بتوان گفت استعاره کلی موجود در متن، استعاره «خداوند کشاورز است.» (به معنی کارنده بذری در خاکی و پرورش دهنده آن) و آفرینش و هستی با تمام امور مادی و معنوی آن فضای قلمرو مقصد را تشکیل می‌دهد و قلمرو مبدأ نیز فضای کشاورزی و کاشتن بذر در زمین است که این انگاره به گونه‌ای ضمنی در متن مرصادالعباد نیز آمده است. برای این که دلیل اهمیت و جایگاه فضای کشاورزی در ذهن نجم‌الدین رازی تا حدی آشکار شود، باید گفت از نظر جغرافیایی، کشاورزی در سرزمین ایران و به‌ویژه شهر ری، زادگاه نجم‌الدین رازی، از دیرباز رایج بوده است، از نظر اجتماعی، نجم‌الدین رازی از طبقه عرفا و مشایخ صوفیه به شمار می‌رود و طبقه عرفا هم از پیشه‌های رایج روزگار خود که کشاورزی نیز از جمله آنهاست، به کلی دور نبوده‌اند.

از نظر فرهنگی و ادبی، درختان از دیرزمان در نزد ایرانیان مهم و مقدس بوده‌اند و همچنین توجه به گیاهان و خصوصیات آنها در بین متون برجسته فارسی و همچنین در ادبیات شفاهی و گفتار روزمره فارسی‌زبانان نیز نمود فراوان داشته است. از منظر اعتقادی، نجم‌الدین رازی مسلمان بوده

و محصولات گیاهی اشاره دارند؛^۸ واژه زرع که به معنی کشاورزی است و مشتقات آن بارها در آیات قرآنی به‌کار رفته است (روحانی، ۱۳۶۶: ۲/ ۸۲۱ و ۸۲۳-۸۲۴). اما نکته قابل توجه درباره قرآن این که مفهوم «خداوند کشاورز است» را نیز می‌توان در ضمن یکی از آیات این کتاب مقدس به‌وضوح مشاهده کرد؛ خداوند در سوره واقعه، خلقت انسان را به خود نسبت داده است (واقعه/ ۵۹) و همچنین بر این که فرودآورنده آب باران خداوند است، تأکید کرده است (واقعه/ ۶۹) و سپس به این نکته اشاره کرده که خالق درختی که به‌صورت هم‌بزم برای آتش انسان استفاده می‌شود کسی نیست جز او (ص ۷۲) و در آیه ۶۳ سوره واقعه، خداوند به کاشت دانه توسط انسان اشاره کرده و سپس در آیه ۶۴ صراحتاً از عمل خود با لفظ زراعت یاد کرده می‌گوید: «أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» یعنی آیا شما آن [دانه] را می‌کارید یا ما می‌کاریم؟ بنابراین می‌توان گفت خداوند در این آیه عمل کاشت را به‌صورت مستقیم به خود نسبت داده است؛ این آیه می‌تواند در تشکیل زیربنای فکری نجم‌الدین رازی به‌عنوان یک عارف مسلمان نقش داشته باشد.

۲-۴-۵. زمینه زبانی و ادبی شکل‌گیری اندیشه

نجم‌الدین رازی

توجه به گیاهان و خصوصیات آنها از دیرباز در متون برجسته فارسی بازتاب داشته است.^۹ در برخی اصطلاحات مربوط به علمی مانند زبان‌شناسی نیز این گیاه‌پنداری آشکار است (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷).

همچنین در ادبیات شفاهی و گفتار روزمره فارسی‌زبانان امروز نیز برخی اصطلاحات، یادآور سابقه گیاه‌پنداری در ذهن و زبانند که از جمله می‌توان به اصطلاحاتی این‌چنینی اشاره کرد: رشد کتابخوانی؛ شکوفایی استعداد؛ به بار نشستن

است. در قرآن و همچنین در سیره و احادیث پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) موضوع کشاورزی بازتابی گسترده داشته است از جمله اشاره صریح خداوند به نسبت خود با عمل زراعت که در آیه ۶۴ سوره واقعه مشاهده می‌شود.

مجموع این موارد می‌تواند در شکل‌دهی نظام تفکر نجم‌الدین رازی برای بیان استعاره مفهومی بذر در صورت‌های گوناگون آن مؤثر بوده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ن. ک. حدیث «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمَّهَ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّهَ» (جامع صغیر، ۱/ ۳۶ به نقل از فروزانفر، ۱۳۶۱: ۳۵).
۲. ن. ک. تاریخ کشاورزی و دامپروری در ایران. هادی الفتی. تهران: امیرکبیر. ۱۳۷۴.
۳. ن. ک. «فهرستنامه اهم متون کشاورزی در زبان فارسی». ایرج افشار. نشریه آینده. س ۸، ش ۱۰. ۱۳۶۱. صص ۶۸۶-۶۹۴؛ «نگاهی اجمالی به رساله‌های قدیمی کشاورزی فارسی». ژیا و وسل. ترجمه عبدالحمید روحبخشان. مجله نشر دانش. ش ۵۴. ۱۳۶۸. صص ۱۰-۱۵.
۴. البته بدیهی است که مفهوم شهر نباید تصور زندگی صنعتی را به ذهن متبادر نماید.
۵. ن. ک. «درخت در اساطیر کهن». جان صدقه. ترجمه محمدرضا ترکی. نشریه شعر. ش ۲۶. ۱۳۷۸. صص ۱۴۰-۱۴۵.
۶. ن. ک. «نماد گیاه و گیاه درمانی در باور عامه». محسن میهن دوست. رودکی. اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶. ش ۱۲ و ۱۳. صص ۶۰-۷۰.
۷. ن. ک. «کشاورزی در اسلام». محمدمهدی فجری. نشریه مبلغان. ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹. ش ۱۲۶. صص ۵۰-۶۴.
۸. واقعه/ ۶۴؛ تین/ ۱؛ «کشاورزی پایدار در قرآن». عباس یداللهی و دیگران. نشریه کشاورزی و تولید پایدار. ج ۲۲. ش ۲. ۱۳۹۱. صص ۱۰۱-۱۱۱.
۹. ن. ک. «نمادهای تمثیلی و اساطیری گیاه و درخت در مثنوی مولوی». حمیرا زمردی. ضمیمه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۱۳۸۱. صص ۱۰۹-۱۲۶؛

«کارکردهای هنری گل و گیاه در شعر حافظ». محمد ایرانی و زهرا منصوری. بهار ادب. س ۴. ش ۱ (پیاپی ۱۱) ۱۳۹۰. صص ۳۲۹-۳۳۸؛ «گیاه درمانی در شعر فارسی». منصوره معینی و اکبر کلاهدوزان. مجله طب سنتی اسلام و ایران. س ۲. ش ۳. سال ۱۳۹۱. صص ۳۱۹-۳۳۲.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه حسین انصاریان. قم: آیین دانش.
- ارسطو (۱۳۷۱). *ریطوریکا (فن خطابه)*. ترجمه پرخیده ملکی. تهران: اقبال.
- انوار، امیرمحمود؛ عبدالحسینی، حسن (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی استعاره از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی و آریو آرمسترانگ ریچاردز». *بهارستان سخن*. س ۶. ش ۱۶. صص ۵۹-۸۰.
- برتلس، یوگنی ادواردویچ (۱۳۵۶). *تصوف و ادبیات تصوف*. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: امیرکبیر.
- بندهش (فرنیغ دادگی) (۱۳۶۹). *گردآوری مهرداد بهار*. تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۳). *پژوهشی در اساطیر ایران*، چ ۱۰، تهران: آگه.
- _____ (۱۳۹۰). *از اسطوره تا تاریخ*. گردآورنده ابوالقاسم اسماعیل پور. چ ۷. تهران: چشمه.
- بورشه ت. و دیگران (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی و ادبیات*. ترجمه کوروش صفوی. تهران: هرمس.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۸). *تاریخ ایران باستان*. تهران: نگاه.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۷۷). *داستان‌های ایرانی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی (حوزه هنری).
- جعفری قریه‌علی، حمید (۱۳۸۶). «هوم پشمین پوش یا گیاه زرین». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی)* دوره ۲۶، ش ۲. پیاپی ۵۱. صص ۱۶۳-۱۸۳.
- حتی، فیلیپ خوری (۱۳۵۰). *شرق نزدیک در تاریخ*. ترجمه قمر آریان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۲). *تاریخ عرفان و عارفان ایرانی از بایزید بسطامی تا نورعلیشاه گنابادی*. چ ۲.

- تهران: کومش.
- راوندی، مجتبی (۱۳۵۷). *تاریخ اجتماعی ایران*. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- روحانی، محمود (۱۳۶۶). *المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم*. ج ۲. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ریاحی، محمدمامین (۱۳۸۷)، «مقدمه مصحح» مندرج در مرصادالعباد، نجم‌الدین رازی؛ به اهتمام محمدمامین ریاحی، چ ۱۳، تهران: علمی و فرهنگی. صص ۹-۱۲۶.
- ریچاردز، ا. آرمسترانگ (۱۳۸۲). *فلسفه بلاغت*. ترجمه علی محمدی آسیابادی. تهران: قطره.
- ژان کالوه، لویی (۱۳۷۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نقش جهان.
- شاردن، ژان (۱۳۵۰). *سفرنامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی. چ ۴، تهران: امیر کبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸). *صور خیال در شعر فارسی*. چ ۷. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *بیان و معانی*. تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- فاضلی، فیروز و دیگران (۱۳۹۲). «رهیافت میان‌فرهنگی به گیاه و درخت در اساطیر و ادبیات». *ادب پژوهی گیلان*. ش ۲۳. صص ۹-۳۳.
- فخر رازی (۱۹۸۲). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- فرورانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۱). *احادیث مثنوی*. تهران: امیرکبیر.
- فریمن، مارگارت اچ (۱۳۹۰). «شعر و حوزه استعاره». *استعاره و مجاز با رویکردی شناختی*. گردآوری آنتونیو بارسلونا. ترجمه فرزانه سجودی و دیگران. تهران: نقش جهان.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۷۹). *استعاره و شناخت*. تهران: فرهنگان.
- کریمیان، حسین (۱۳۵۴). *ری باستان (مباحث جغرافیایی شهر ری به عهد آبادی)*. چ ۲. تهران: دانشگاه ملی ایران. ج ۱.
- کزازی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). *بیان (زیبایی‌شناسی سخن*
- پارسی). تهران: مرکز.
- کلیم، لستر و دیگران (۱۳۳۸). *جغرافیای اقتصادی*. ترجمه فتح‌الله حکیمی. تهران: امیرکبیر.
- کووکسس، زولتان (۱۳۹۰). «دامنه استعاره». *استعاره و مجاز با رویکردی شناختی*. گردآوری آنتونیو بارسلونا. ترجمه فرزانه سجودی و دیگران. تهران: نقش جهان.
- گلفام، ارسلان؛ یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». *تازه‌های علوم شناختی*. س ۳. صص ۵۹-۶۴.
- لمبتون، آن (۱۳۴۵). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لنار، ژاک (۱۳۹۲). «جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن». *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. چ ۳. تهران: نقش جهان.
- لیکاف، جورج (۱۳۸۲). «نظریه معاصر استعاره». *استعاره مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی*. ترجمه گروه مترجمان. به کوشش فرهاد ساسانی. تهران: سوره مهر.
- لیکاف، جرج و جانسون، مارک (۱۳۹۴). *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*. ترجمه هاجر آقابراهیمی. تهران: علم.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میرجهانی، سیدمحمدحسن (۱۳۹۸ق). *جنته العاصمة*. تهران: کتابخانه صدر.
- نجم‌الدین رازی (۱۳۸۷). *مرصادالعباد*. به اهتمام محمدمامین ریاحی. چ ۱۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- هاشمی، زهره (۱۳۸۹). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». *ادب پژوهی*. ش ۱۲. صص ۱۱۹-۱۴۰.
- (۱۳۹۲الف). «مفهوم ناکجاآباد در دو رساله سهروردی بر اساس نظریه استعاره شناختی». *جستارهای زبانی*. دوره ۴. ش ۳. پیاپی ۱۵. صص ۲۳۷-۲۶۰.
- (۱۳۹۲ب). «زنجره‌های استعاره محبت در تصوف». *فصلنامه نقد ادبی*. س ۶. ش ۲۲. صص ۲۹-۴۸.

- هاشمی، زهره و قوام، ابوالقاسم (۱۳۹۲). «بررسی شخصیت و اندیشه‌های عرفانی بایزید بسطامی بر اساس روش استعاره‌شناختی». *جستارهای ادبی*. ش ۱۸۲. صص ۷۵-۱۰۴.
- هاوکس، ترنس (۱۳۷۷). *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۷). *بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: هما.